

## تحلیل فرایند انتقال تعهد و آثار حقوقی آن در قراردادهای

گروه حقوق، حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حاتم صارمی

### چکیده

انتقال تعهد به عنوان نهادی حقوقی، امکان جابه‌جایی مسئولیت‌های قراردادی از متعهد اولیه به شخص ثالث را بدون زوال رابطه اصلی فراهم می‌آورد و نقش مهمی در پویایی، انعطاف‌پذیری و استمرار روابط قراردادی ایفا می‌کند. این نهاد مبتنی بر اصول حاکمیت اراده، لزوم قراردادهای و مبانی فقهی «وفوا بالعقود» است و تحقق آن مستلزم رضایت متعهد، متعهدله و منتقل‌الیه، اهلیت طرفین، قابلیت انتقال موضوع تعهد و رعایت حقوق اشخاص ثالث می‌باشد. بررسی آثار حقوقی انتقال تعهد نشان می‌دهد که این فرایند بر مسئولیت قراردادی، ضمان قهری، تعهدات تبعی و موقعیت حقوقی اشخاص ثالث اثرگذار است و چالش‌هایی نظیر خلأ قانونی و تعارض‌های تفسیری را نیز به همراه دارد. تحلیل کارکردی انتقال تعهد در حقوق ایران، ضرورت توسعه دکترین، تدوین رویه قضایی منسجم و شفاف‌سازی مبانی قانونی برای تضمین امنیت حقوقی و ارتقای کارآمدی قراردادهای را برجسته می‌سازد.

انتقال تعهد، مسئولیت قراردادی، حقوق مدنی، ضمان قهری، اشخاص ثالث، دکترین حقوقی

واژگان کلیدی:

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

## Analysis of the process of transferring obligations and its legal effects in contracts

Scientific Journal of Modern  
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,  
Magiran, Ensani,  
GoogleScholar  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

Year 2026, Sixth year ,Issue 27

Pages 1-15

Hatem Saremi

Department of Law, Private Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran,  
Iran

### Abstract

Transfer of obligation as a legal institution enables the transfer of contractual responsibilities from the primary obligor to a third party without the dissolution of the main relationship and plays an important role in the dynamics, flexibility and continuity of contractual relationships. This institution is based on the principles of the rule of will, the necessity of contracts and the jurisprudential principles of "Ofua by Contracts" and its realization requires the consent of the obligor, the obligee and the transferee, the competence of the parties, the ability to transfer the subject of the obligation and the observance of the rights of third parties. An examination of the legal effects of the transfer of obligation shows that this process affects contractual liability, compulsory guarantee, consequential obligations and the legal status of third parties and also brings challenges such as legal vacuum and interpretative conflicts. A functional analysis of the transfer of obligation in Iranian law highlights the necessity of developing the doctrine, formulating coherent judicial practice and clarifying the legal foundations to ensure legal security and promote the efficiency of contracts.

Transfer of obligation, contractual liability, civil law, compulsory guarantee, third parties,  
legal doctrine

### Keywords:

**JEL Classification:** Jurisprudence - Law, Criminal and Criminology - International Law - Private Law

## مقدمه

مطالعه انتقال تعهد و تحلیل ابعاد حقوقی آن، به روشن شدن چالش‌های قانونی و تفسیری، تثبیت جایگاه این نهاد و ایجاد چارچوب کاربردی در نظام حقوق مدنی ایران کمک می‌کند. بررسی آثار حقوقی، ارکان تحقق و محدودیت‌های قانونی انتقال تعهد، امکان استفاده عملی از آن در قراردادهای پیچیده و تضمین امنیت حقوقی طرفین را فراهم می‌آورد و مبنای توسعه رویه قضایی منسجم در این حوزه را تقویت می‌نماید.

### ۱- ماهیت و مبانی حقوقی انتقال تعهد

ماهیت و مبانی حقوقی انتقال تعهد به‌عنوان یکی از نهادهای کمتر تصریح‌شده در قانون مدنی ایران، در بطن قواعد عمومی قراردادها قابل تحلیل است و ناظر بر وضعیتی است که در آن، تعهد بدون زوال رابطه قراردادی، از ذمه متعهد نخست به ذمه شخص ثالث منتقل می‌شود. انتقال تعهد از حیث ماهوی، نه ایجاد تعهد جدید به معنای مصطلح و نه صرفاً اسقاط تعهد سابق است، بلکه نوعی جابه‌جایی شخص متعهد با حفظ موضوع، سبب و آثار اصلی تعهد محسوب می‌شود؛ امری که آن را از نهادهایی چون تبدیل تعهد موضوع مواد ۲۹۲ و ۲۹۳ قانون مدنی متمایز می‌سازد. در این چارچوب، انتقال تعهد را باید نهادی مستقل دانست که بر استمرار رابطه دینی مبتنی است، نه انحلال و ایجاد رابطه‌ای تازه.

از منظر مبانی حقوقی، اصل حاکمیت اراده مندرج در ماده ۱۰ قانون مدنی مهم‌ترین پشتوانه پذیرش انتقال تعهد در حقوق ایران است؛ به‌ویژه در مواردی که قانون منع صریحی نسبت به انتقال تعهد مقرر نکرده باشد. افزون بر آن، قاعده فقهی «اوفوا بالعقود» و اصل لزوم قراردادها (ماده ۲۱۹ قانون مدنی) امکان تداوم تعهد با تغییر شخص متعهد را توجیه می‌کند، مشروط بر آنکه رضایت متعهدله حاصل شده و به

انتقال تعهد یکی از نهادهای کلیدی در حقوق مدنی ایران است که امکان جابه‌جایی تعهد از ذمه متعهد اولیه به ذمه شخص ثالث را بدون تغییر ماهیت، موضوع یا آثار اصلی آن فراهم می‌آورد. این نهاد به‌واسطه قواعد عمومی قراردادها و اصول وفای به عقود شکل می‌گیرد و نقش مهمی در حفظ انعطاف‌پذیری و استمرار اجرای قراردادها ایفا می‌کند. اهمیت آن در روابط تجاری و قراردادهای پیچیده، ناشی از نیاز به مدیریت ریسک، تضمین اجرای تعهدات و ایجاد امکان انتقال مسئولیت‌ها بین طرفین است. انتقال تعهد با سایر نهادهای مشابه مانند تبدیل تعهد و حواله تفاوت ماهوی دارد و این تمایز اثر مستقیم بر مسئولیت متعهد سابق و متعهد جدید، تعهدات تبعی و حقوق اشخاص ثالث دارد. در حقوق ایران، قواعد قانونی صریحی برای این نهاد وجود ندارد، اما اصول حاکمیت اراده و لزوم قراردادها و مبانی فقهی «اوفوا بالعقود» امکان شناسایی و پذیرش آن را فراهم می‌سازد. خلأ قانونی و نبود نص صریح، زمینه اختلاف در تفسیر و رویه قضایی را ایجاد کرده است و نیازمند تحلیل دقیق‌ترین و حقوق تطبیقی است. تحقق انتقال تعهد مستلزم رعایت شرایطی همچون رضایت متعهد، متعهدله و منتقل‌الیه، اهلیت طرفین، قابلیت انتقال موضوع تعهد و احترام به حقوق مکتسبه اشخاص ثالث است. رعایت این شرایط امنیت حقوقی طرفین را تضمین می‌کند و از تضییع حقوق طلبکار و ایجاد اختلال در اجرای قرارداد جلوگیری می‌نماید. همچنین، انتقال تعهد آثار مهمی بر مسئولیت قراردادی و ضمان قهری دارد و می‌تواند ابزاری مؤثر برای مدیریت تعهدات اصلی و تبعی باشد.

رابطه قراردادی دانست. این مفهوم، اگرچه در قانون مدنی ایران به صورت صریح عنوان نشده، اما در پرتو قواعد عمومی قراردادها، به ویژه اصل حاکمیت اراده (ماده ۱۰ قانون مدنی) و اصل لزوم قراردادها (ماده ۲۱۹ قانون مدنی)، قابلیت تحلیل و پذیرش حقوقی دارد.

تمایز انتقال تعهد از انتقال طلب، پیش از هر چیز، در جهت حرکت رابطه دینی آشکار می شود؛ در انتقال طلب، داین تغییر می کند و بدهکار ثابت می ماند، در حالی که در انتقال تعهد، داین ثابت بوده و بدهکار جایگزین می شود. قانون مدنی در مواد ۲۹۲ و ۲۹۳، انتقال طلب و تبدیل تعهد را از حیث آثار تفکیک کرده و به ویژه در بحث تبدیل تعهد، زوال تعهد سابق و ایجاد تعهد جدید را مفروض گرفته است، حال آنکه انتقال تعهد مبتنی بر بقای تعهد پیشین است. همچنین، انتقال طلب غالباً بدون نیاز به رضایت بدهکار محقق می شود، در حالی که انتقال تعهد بدون رضایت متعهدله، با اصول حمایت از طلبکار و امنیت حقوقی وی ناسازگار است.<sup>۲</sup>

همچنین، تمایز انتقال تعهد از تبدیل تعهد اهمیت نظری و عملی ویژه ای دارد؛ زیرا تبدیل تعهد، وفق ماده ۲۹۲ قانون مدنی، مستلزم سقوط تعهد سابق و جانشینی تعهد جدید است، در حالی که انتقال تعهد چنین اثری ندارد و تضمینات و اوصاف تعهد، اصولاً باقی می ماند مگر آنکه خلاف آن تراضی شده باشد. این تفکیک مفهومی، از خلط نهادهای حقوقی جلوگیری کرده و امکان تحلیل دقیق آثار انتقال تعهد در

حقوق مکتسبه وی لطمه ای وارد نشود. بدین ترتیب، انتقال تعهد را می توان نتیجه توافق چندجانبه دانست که در چهارچوب قواعد عمومی قراردادها و بدون نیاز به تصریح قانونگذار قابل تحقق است.<sup>۱</sup>

در نهایت، تحلیل ماهیت انتقال تعهد نشان می دهد که این نهاد پاسخی حقوقی به نیازهای عملی روابط قراردادی نوین است و نقش مهمی در حفظ کارایی و انعطاف پذیری قراردادها ایفا می کند. پذیرش انتقال تعهد، بدون فروکاستن آن به نهادهای مشابه، امکان مدیریت ریسک، تداوم قرارداد و تنظیم بهینه تعهدات را فراهم می سازد؛ با این حال، فقدان نص صریح قانونی، ضرورت تفسیر منسجم مواد قانون مدنی و بهره گیری از مبانی فقهی و دکترین حقوقی را دوچندان می کند، امری که می تواند مبنای توسعه رویه قضایی منسجم در این حوزه قرار گیرد.

۱-۱- تبیین مفهوم انتقال تعهد و تمایز آن از انتقال طلب و تبدیل تعهد

انتقال تعهد به عنوان یک نهاد حقوقی، ناظر بر جابه جایی شخص متعهد در یک رابطه دینی با حفظ موضوع، سبب و ماهیت تعهد است، به گونه ای که تعهد موجود بدون زوال، از ذمه متعهد نخست به ذمه شخص ثالث منتقل می شود. در این فرایند، آنچه تغییر می یابد شخص متعهد است، نه خود تعهد؛ از این رو انتقال تعهد را باید در زمره نهادهای مبتنی بر استمرار

<sup>۲</sup> - فصیحی زاده، علیرضا و همکاران (۱۴۰۰)، تحلیل دوگانگی انتقال طلب و تبدیل تعهد به اعتبار متعهدله در حقوق ایران، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۷، ص ۱۱۴

<sup>۱</sup> - عابدی، مهدی و همکاران (۱۳۹۹)، بررسی شرایط انتقال تعهد در حقوق ایران و تاثیر آن بر حقوق شهروندی، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، شماره ۲، ص ۴۰

لذا، فقه امامیه با تأکید بر منع اضرار به دائن و لزوم حفظ امنیت حقوقی وی، انتقال تعهد را مشروط به رضایت طلبکار و بقای تضمینات اساسی می‌داند. این رویکرد، ضمن حفظ تعادل میان آزادی اراده و حمایت از حقوق دائن، زمینه انطباق انتقال تعهد با نیازهای نوین قراردادی را فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که مبانی فقهی لازم برای شناسایی این نهاد در حقوق ایران وجود دارد؛ هرچند تبدیل این مبانی به قواعد صریح حقوقی، نیازمند تفسیر منسجم و توسعه دکترین حقوقی است.

### ۳-۱- مبانی قانونی انتقال تعهد در حقوق مدنی ایران

مبانی قانونی انتقال تعهد در حقوق مدنی ایران، هرچند به صورت صریح و مستقل در قانون مدنی پیش‌بینی نشده، اما با تحلیل منسجم قواعد عمومی قراردادها و نهادهای مشابه قابل استنباط است. قانونگذار ایرانی با پذیرش اصل لزوم قراردادها و اعتبار توافق‌های خصوصی، زمینه استمرار رابطه دینی را حتی در صورت تغییر شخص متعهد فراهم ساخته است. از این منظر، انتقال تعهد را باید نهادی برآمده از ساختار کلی حقوق تعهدات دانست که در خلأ نص خاص، از طریق تفسیر نظام‌مند مواد قانونی قابل شناسایی است. مهم‌ترین مبنای قانونی انتقال تعهد، ماده ۱۰ قانون مدنی است که قراردادهای خصوصی را، در صورت عدم مخالفت با قانون، نافذ می‌داند. بر پایه این ماده، توافق میان متعهد، متعهدله و شخص ثالث بر انتقال تعهد، مادام که با قواعد آمره و نظم عمومی تعارض نداشته باشد، معتبر تلقی می‌شود. افزون بر آن، ماده

قراردادها را فراهم می‌سازد؛ به‌ویژه در روابط قراردادی پیچیده، تشخیص صحیح نهاد قابل اعمال، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ حقوق طرفین و انسجام تصمیمات قضایی دارد.

### ۲-۱- مبانی فقهی انتقال تعهد در حقوق امامیه

بررسی مبانی فقهی انتقال تعهد در حقوق امامیه نشان می‌دهد که هرچند عنوان «انتقال تعهد» به صورت اصطلاحی در متون فقهی مطرح نشده، اما محتوای آن در قالب نهادها و قواعد فقهی متعددی قابل استنباط است. فقه امامیه با رویکرد کارکردی به روابط دینی، امکان جابه‌جایی شخص متعهد را در مواردی که به اصل تعهد و حق دائن خللی وارد نشود، به رسمیت می‌شناسد. از این منظر، انتقال تعهد را می‌توان نتیجه توافق عقلایی دانست که در چهارچوب قواعد عمومی معاملات و با رعایت حقوق طلبکار، قابلیت پذیرش فقهی دارد. مهم‌ترین مبنای فقهی انتقال تعهد، قاعده «وفوا بالعقود» و اصل لزوم وفای به تعهدات است که استمرار تعهد را، حتی با تغییر شخص متعهد، توجیه می‌کند. افزون بر آن، نهاد فقهی «حواله» به عنوان نزدیک‌ترین تأسیس فقهی، بیانگر امکان انتقال دین از ذمه محیل به ذمه محال‌علیه با رضایت دائن است؛ هرچند حواله به لحاظ ساختار با انتقال تعهد تفاوت‌هایی دارد، اما از حیث پذیرش جابه‌جایی ذمه، نقش مبنایی ایفا می‌کند. همچنین، قاعده «سلطنت اراده» مستفاد از قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم» امکان تراضی طرفین بر انتقال تعهد را در محدوده مشروعیت شرعی فراهم می‌سازد.<sup>۱</sup>

۱- حاجی عزیزی، بیژن و همکاران (۱۳۹۰)، جایگاه تبدیل تعهد در فقه امامیه (بخش مدنی)، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱، سال ۱۳۹۰، ص ۴۴، ۵۲

متعهدله، مشروعیت پیدا نمی‌کند و اراده متعهد و منتقل‌الیه باید همزمان با رعایت قواعد آمره و نظم عمومی شکل گیرد. این چارچوب، ساختار حقوقی انتقال تعهد را به‌عنوان یک فرایند قراردادی چندجانبه معرفی می‌کند که هدف آن حفظ استمرار رابطه دینی است. اهلیت طرفین، از دیگر ارکان ضروری تحقق انتقال تعهد است. متعهد جدید باید اهلیت قانونی برای ایفای تعهد را داشته باشد و متعهدله نیز از توانایی حقوقی کافی برای پذیرش جانشینی او برخوردار باشد؛ در غیر این صورت، انتقال فاقد اثر حقوقی خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱-۲- نقش رضایت متعهد، متعهدله و منتقل‌الیه در انتقال تعهد

نقش رضایت طرفین در انتقال تعهد، یکی از اصول بنیادین این نهاد حقوقی است که مشروعیت و اثرگذاری آن را تضمین می‌کند. انتقال تعهد در حقوق مدنی ایران، فارغ از نص صریح قانونی، مبتنی بر اصل حاکمیت اراده (ماده ۱۰ قانون مدنی) است و مستلزم توافق متعهد اولیه، متعهدله و شخص ثالث (منتقل‌الیه) می‌باشد. بدون تحقق این رضایت، انتقال تعهد نه تنها فاقد مشروعیت است، بلکه می‌تواند منجر به نقض حقوق طرفین و ایجاد مسئولیت حقوقی گردد، زیرا اصل استمرار تعهد و حفظ امنیت حقوقی متعهدله تنها با تراضی کامل ممکن می‌شود.

۲۱۹ قانون مدنی که بر لزوم وفای به عقد دلالت دارد، مؤید بقای تعهد و امکان استمرار آن با جانشینی متعهد جدید است. همچنین، مواد مربوط به حواله (مواد ۷۲۴ به بعد قانون مدنی) و تبدیل تعهد (مواد ۲۹۲ و ۲۹۳) هرچند ناظر به نهادهای متمایز هستند، اما به‌صورت ضمنی قابلیت انتقال دین و جابه‌جایی ذمه را در نظام حقوقی ایران تأیید می‌کنند.<sup>۱</sup>

در نهایت، تحلیل مبانی قانونی انتقال تعهد نشان می‌دهد که قانون مدنی ایران، با رویکردی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر اصول کلی، مانعی برای شناسایی این نهاد ایجاد نکرده است؛ بلکه بالعکس، ظرفیت لازم برای پذیرش آن را در چارچوب تفسیر موسع قواعد عمومی قراردادها فراهم ساخته است. این وضعیت، اگرچه از حیث کارآمدی عملی قابل دفاع است، اما به لحاظ امنیت حقوقی، ضرورت توسعه دگترین و تثبیت رویه قضایی را برجسته می‌کند تا انتقال تعهد در عمل با ابهام و تشتت تفسیری مواجه نشود.

۲- شرایط تحقق و ساختار حقوقی انتقال تعهد

تحقق انتقال تعهد مستلزم تحقق شرایط خاصی است که تضمین‌کننده حفظ حقوق طرفین قرارداد و مشروعیت انتقال ذمه متعهد می‌باشد. در حقوق مدنی ایران، این شرایط بر مبنای اصول حاکمیت اراده (ماده ۱۰ قانون مدنی) و لزوم قراردادها (ماده ۲۱۹ قانون مدنی) قابل تحلیل است. بدین معنا که انتقال تعهد، بدون تراضی طرفین اصلی و رضایت

<sup>۲</sup> - جهانیان، مجتبی؛ براری چناری، یوسف (۱۳۹۸)، تاملی بر ماهیت تبدیل تعهد و مقایسه آن با نهادهای مشابه در فقه و حقوق، فصلنامه تخصصی دانشنامه های حقوقی، شماره ۴، ص ۱۰۹-۱۰۸

۱- همان، ص ۳۹

مدنی ایران، اهلیت به معنای توانایی قانونی برای انجام اعمال حقوقی است و شامل اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء می‌شود. ماده ۱۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد که «اشخاصی که اهلیت قانونی ندارند نمی‌توانند به نحو مشروع اعمال حقوقی انجام دهند»، بنابراین، متعهد اولیه، متعهدله و منتقل‌الیه باید از اهلیت قانونی برخوردار باشند تا انتقال تعهد مشروع و نافذ باشد. وضعیت حقوقی منتقل‌الیه، علاوه بر اهلیت، شامل توانایی اجرای تعهد و پذیرش مسئولیت حقوقی مربوطه است. انتقال تعهد به شخص فاقد اهلیت یا فاقد توانایی عملی، نه تنها موجب بی‌اعتباری انتقال می‌شود، بلکه می‌تواند مسئولیت حقوقی برای طرفین ایجاد کند. همچنین، متعهدله باید از قدرت حقوقی کافی برای پذیرش جانشینی متعهد جدید برخوردار باشد، زیرا رضایت وی شرط اساسی تحقق انتقال است؛ این الزام از مواد ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی و اصول فقهی «وفوا بالعقود» و «عدم ضرر» قابل استنتاج است.<sup>۲</sup>

در نهایت، تحلیل دکترین حقوقی نشان می‌دهد که رعایت اهلیت و وضعیت حقوقی اشخاص، موجب حفظ توازن حقوق طرفین و استمرار تعهدات اصلی می‌شود. این چارچوب، امکان تضمین اجرای صحیح تعهد، جلوگیری از تضییع حقوق طلبکار و ارتقای امنیت حقوقی قراردادهای را فراهم می‌آورد. بدون رعایت این عنصر، انتقال تعهد نه تنها فاقد اثر حقوقی است، بلکه می‌تواند به منازعات قضایی و اختلال در اجرای قراردادهای منجر شود و از این حیث، بررسی دقیق اهلیت و

رضایت متعهد اولیه، به معنای پذیرش واگذاری مسئولیت خود به شخص ثالث است و بیانگر حسن نیت در انتقال تعهد می‌باشد. رضایت متعهدله نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا هدف انتقال تعهد، تغییر متعهد بدون لطمه به حق طلبکار است. ماده ۲۱۹ قانون مدنی که بر لزوم وفای به عقد تأکید دارد، و همچنین اصول فقهی «وفوا بالعقود» و «عدم ضرر» ضامن رعایت حقوق متعهدله در فرایند انتقال هستند. در عین حال، رضایت منتقل‌الیه شرط تحقق توانایی ایفای تعهد و اهلیت قانونی اوست، زیرا جانشینی وی بدون آمادگی و قابلیت قانونی فاقد اثر خواهد بود.<sup>۱</sup>

از منظر تحلیل حقوقی و دکترین، همکاری و رضایت سه‌جانبه در انتقال تعهد، نه تنها چارچوب قانونی را تثبیت می‌کند، بلکه کارکرد عملی انتقال را تضمین می‌نماید. این رضایت سه‌گانه، موجب حفظ تعهدات تبعی، امنیت حقوقی طرفین و انسجام قراردادهای می‌شود و بستر لازم برای اجرای مطمئن تعهد توسط منتقل‌الیه را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، انتقال تعهد بدون رضایت طرفین، از دیدگاه حقوقی و عملی فاقد مشروعیت است و می‌تواند منجر به مسئولیت قراردادی و نقض تعهدات شود.

۲-۲- اهلیت و وضعیت حقوقی اشخاص در فرایند انتقال تعهد اهلیت و وضعیت حقوقی اشخاص در فرایند انتقال تعهد، از جمله ارکان اساسی تحقق این نهاد قراردادی است که امنیت حقوقی طرفین و کارایی انتقال را تضمین می‌کند. در حقوق

<sup>۲</sup> - بهرامی، حسین (۱۴۰۵)، ماهیت سقوط تعهد توسط ثالث و بررسی امکان مراجعه او به متعهد، نشریه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۵، شماره ۶۵، ص ۲

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۱۶

این قاعده با اصول فقهی «عدم ضرر» و «لزوم وفای به عقود» همخوانی دارد و نشان می‌دهد که محدودیت‌های قانونی با هدف حمایت از طلبکار و حفظ تعادل حقوقی اعمال می‌شود.<sup>۱</sup>

بررسی قابلیت انتقال موضوع تعهد، ضمن تضمین امنیت حقوقی متعهدله، امکان بهره‌گیری عملی از نهاد انتقال تعهد در قراردادهای پیچیده را فراهم می‌سازد. رعایت این قاعده، هم به تشخیص حقوقی صحیح جهت انتقال مشروع کمک می‌کند و هم از بروز اختلافات قضایی جلوگیری می‌کند؛ بنابراین، شناسایی دقیق موضوع تعهد و ارزیابی محدودیت‌های قانونی و قراردادی آن، از مراحل ضروری در فرایند انتقال تعهد است و پایه‌گذار اجرای مطمئن و مشروع این نهاد قراردادی در حقوق ایران محسوب می‌شود.

#### ۴-۲- جایگاه توافق و اراده قراردادی در ایجاد انتقال تعهد

جایگاه توافق و اراده قراردادی در ایجاد انتقال تعهد، از اصول بنیادین مشروعیت این نهاد حقوقی محسوب می‌شود و مبنای تحقق آن در حقوق مدنی ایران است. انتقال تعهد بدون توافق طرفین و ابراز اراده آنان، با اصول حاکمیت اراده در ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل لزوم قراردادها در ماده ۲۱۹ قانون مدنی سازگار نیست و فاقد اثر حقوقی خواهد بود. این اصل نشان می‌دهد که اراده جمعی متعهد، متعهدله و منتقل‌لیه، شرط لازم برای جانشینی شخص متعهد در قرارداد است و بدون

وضعیت حقوقی اشخاص در فرایند انتقال تعهد، ضروری و تعیین‌کننده است.

#### ۳-۲- قابلیت انتقال موضوع تعهد و محدودیت‌های قانونی آن

قابلیت انتقال موضوع تعهد و محدودیت‌های قانونی آن، یکی از ارکان حیاتی انتقال تعهد در نظام حقوقی ایران است که تعیین‌کننده امکان یا عدم امکان جابه‌جایی تعهد از ذمه متعهد به شخص ثالث است. به‌طور کلی، انتقال تعهد زمانی ممکن است که موضوع تعهد، قابل تفویض به دیگری باشد و ماهیت شخصی یا تعلق ویژه آن به متعهد اصلی مانع از انتقال نشود. این اصل مبتنی بر مواد ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی است که به مشروعیت و الزام‌آور بودن قراردادها و ضرورت وفای به تعهدات تصریح دارد؛ زیرا انتقال تعهد بدون قابلیت انتقال موضوع، موجب خدشه به حقوق متعهدله و اختلال در اجرای قرارداد می‌شود. محدودیت‌های قانونی قابلیت انتقال، عمدتاً در مواردی مشاهده می‌شود که تعهد مبتنی بر اعتماد خاص متعهد، مهارت فردی یا ویژگی‌های شخصی او باشد؛ برای مثال، تعهدات حرفه‌ای، تعهدات ناشی از قراردادهای خدماتی خاص و برخی تعهدات ناشی از قراردادهای کار یا قراردادهای مبتنی بر شخصیت متعهد، قابلیت انتقال به دیگری را ندارند. علاوه بر این، محدودیت‌های ناشی از نظم عمومی و قوانین آمره نیز مانع انتقال تعهد می‌شوند؛ برای نمونه، در مواردی که قانون صراحتاً انتقال تعهد را ممنوع کرده یا حقوق متعهدله را با محدودیت مواجه ساخته باشد، انتقال فاقد مشروعیت است.

<sup>۱</sup> - غلامی میشوایی، الناز (۱۳۹۴)، بررسی انتقال تعهد قراردادی و مقایسه آن با تبدیل تعهد در حقوق ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ص ۴۹

آثار حقوقی انتقال تعهد در روابط قراردادی، از جمله موضوعات کلیدی در تحلیل نهاد انتقال تعهد در حقوق مدنی ایران است که هدف آن حفظ استمرار رابطه قراردادی و تعادل حقوق طرفین می‌باشد. با انتقال تعهد، شخص جدید (منتقل‌الیه) به جای متعهد سابق مسئول اجرای تعهدات می‌شود و رابطه اصلی با متعهدله بدون تغییر موضوع و سبب، تداوم می‌یابد. این اثر مبتنی بر اصل لزوم قراردادهای (ماده ۲۱۹ قانون مدنی) و حمایت از حقوق متعهدله است، زیرا انتقال تعهد به گونه‌ای باید صورت گیرد که حقوق دائن محفوظ بماند و خللی در اجرای قرارداد ایجاد نشود. یکی از مهم‌ترین آثار حقوقی، جانشینی متعهد جدید در تعهدات اصلی و تبعی است؛ بدین معنی که تضمینات، وثایق و سایر تعهدات وابسته نیز در صورت توافق یا تراضی ضمنی، به منتقل‌الیه منتقل می‌شوند. از سوی دیگر، متعهد اولیه در قبال متعهدله نسبت به تعهدات منتقل شده، معمولاً مسئولیتی نخواهد داشت، مگر آنکه توافق خلاف یا ضمانت اجرای تبعی در قرارداد مقرر شده باشد. این تحلیل با مبانی فقهی «وفوا بالعقود» و اصول دکتترین حقوقی همخوانی دارد و تضمین‌کننده پایداری روابط قراردادی و ثبات حقوقی طرفین است.<sup>۲</sup>

علاوه بر آثار داخلی، انتقال تعهد بر حقوق اشخاص ثالث نیز مؤثر است؛ به گونه‌ای که جانشینی متعهد جدید ممکن است موقعیت حقوقی اشخاص ثالث را تغییر دهد، اما این تغییر باید با رعایت نظم عمومی و حقوق مکتسبه آنان همراه باشد.

تحقق آن، انتقال نمی‌تواند به‌طور مشروع آثار حقوقی خود را ایجاد کند.

اراده قراردادی در انتقال تعهد، شامل پذیرش شروط انتقال، تعیین محدوده مسئولیت منتقل‌الیه و رعایت حقوق متعهدله است. متعهدله باید به انتقال رضایت داده و مطمئن شود که حقوق وی دچار تضییع نخواهد شد؛ این امر با اصول فقهی «وفوا بالعقود» و «عدم ضرر» همخوانی دارد. همچنین، اراده منتقل‌الیه مبین قبول جانشینی در ذمه تعهد و تعهد به ایفای آن است، زیرا بدون پذیرش او، انتقال تعهد محقق نمی‌شود. بدین ترتیب، توافق طرفین نه صرفاً به شکل تشریفاتی، بلکه به‌عنوان شرط ماهوی تحقق انتقال، نقش تعیین‌کننده دارد.<sup>۱</sup>

تحلیل دکتترین حقوقی نشان می‌دهد که جایگاه اراده قراردادی، ضمن تضمین مشروعیت انتقال، به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری روابط قراردادی کمک می‌کند. اراده و توافق طرفین، ابزار اصلی حفظ تعهدات تبعی، تضمین حقوق طرفین و ایجاد امنیت حقوقی در قراردادهای پیچیده است؛ بدون تأکید بر این عنصر، انتقال تعهد می‌تواند با عدم اجرای تعهدات یا منازعات حقوقی مواجه شود. بنابراین، اراده قراردادی نه تنها مبنای ایجاد انتقال است، بلکه به‌عنوان ضامن کارایی عملی و انسجام حقوقی این نهاد در نظام حقوقی ایران عمل می‌کند.

۳- آثار حقوقی انتقال تعهد در روابط قراردادی

<sup>۲</sup> - همان، ص ۶۲

<sup>۱</sup> - سروسرستانی، سعیده سادات (۱۳۹۲)، انتقال ارادی تعهد (طلب و دین) در حقوق ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، ص ۸۴

به طور تحلیلی، این آثار حقوقی بیانگر توازن میان آزادی انتقال و حفظ امنیت حقوقی طلبکار است. متعهد سابق از بار مسئولیت آزاد شده و متعهد جدید تمام تعهدات را بر عهده می‌گیرد؛ این وضعیت، ضمن تضمین استمرار قرارداد و پایداری تعهدات، امکان انعطاف در مدیریت قراردادها و کاهش ریسک‌های عملیاتی را فراهم می‌کند. تحلیل دقیق این آثار در دکتترین و رویه قضایی، پایه‌ای برای پیش‌بینی نتایج انتقال و جلوگیری از اختلافات حقوقی است.

۳-۲- تأثیر انتقال تعهد بر مسئولیت قراردادی و ضمان قهری  
تأثیر انتقال تعهد بر مسئولیت قراردادی و ضمان قهری، یکی از ابعاد کلیدی تحلیل انتقال تعهد است که با هدف حفظ توازن حقوقی بین طرفین قرارداد و اشخاص ثالث مورد توجه قرار می‌گیرد. با تحقق انتقال، مسئولیت قراردادی متعهد جدید نسبت به اجرای تعهدات اصلی برقرار می‌شود و متعهد سابق از بار مسئولیت معاف می‌گردد، مشروط بر رضایت متعهدله و تحقق شرایط قانونی انتقال. این امر نشان می‌دهد که انتقال تعهد، صرفاً تغییر شخص متعهد است و ماهیت تعهد و آثار آن بر روابط قراردادی ادامه می‌یابد، بدون آنکه مسئولیت ناشی از نقض تعهد به صورت خودکار متوجه متعهد سابق شود. در خصوص ضمان قهری، انتقال تعهد می‌تواند آثار مهمی بر تعهدات تبعی و تضمین‌های قرارداد داشته باشد. اگر قرارداد یا توافق طرفین شامل تضمین‌ها، وثایق یا مسئولیت‌های تبعی باشد، انتقال تعهد به منتقل‌الیه می‌تواند شامل این ضمان‌ها نیز شود، مگر آنکه خلاف آن مقرر شده

تحلیل دکتترین نشان می‌دهد که آثار حقوقی انتقال تعهد، نه تنها محدود به روابط اصلی طرفین است، بلکه به پایداری و امنیت حقوقی کل شبکه قراردادهای مرتبط کمک می‌کند و نقش مؤثری در کاهش اختلافات قضایی و افزایش قابلیت پیش‌بینی اجرای قراردادها ایفا می‌نماید.

### ۳-۱- آثار انتقال تعهد بر ذمه متعهد سابق و متعهد جدید

آثار انتقال تعهد بر ذمه متعهد سابق و متعهد جدید، از مهم‌ترین موضوعات تحلیل حقوقی این نهاد در حقوق ایران است و محور آن تداوم تعهدات بدون لطمه به حقوق طلبکار است. با تحقق انتقال، ذمه متعهد سابق نسبت به تعهد منتقل‌شده اصولاً منحل می‌شود و مسئولیت اجرای تعهد به طور کامل به منتقل‌الیه منتقل می‌گردد؛ این امر مشروط بر رضایت متعهدله است تا امنیت حقوقی وی تضمین شود و حقوق او از تغییر متضرر نشود. بنابراین، انتقال تعهد صرفاً تغییر شخص متعهد است و ماهیت و موضوع تعهد بدون تغییر باقی می‌ماند. ذمه متعهد جدید با پذیرش انتقال، به تمامی تعهدات اصلی و در صورت توافق، تعهدات تبعی و تضمین‌ها موظف می‌شود. مسئولیت او شامل ایفای دقیق تعهد، رعایت مهلت‌ها و الزامات قراردادی و مواجهه با ضمانت‌های مقرر است. دکتترین حقوقی تأکید دارد که این جانشینی نباید خللی در حقوق متعهدله ایجاد کند و منتقل‌الیه باید توانایی قانونی و عملی اجرای تعهد را داشته باشد تا انتقال مشروع و مؤثر واقع شود.<sup>۱</sup>

۱- کامیاب منصوری، نیلوفر (۱۳۹۵)، مقاله تبدیل تعهد، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، ص ۴۹

منجر به تضییع حقوق قانونی آنان شود. از این منظر، اصل حاکمیت اراده و آزادی طرفین در انتقال تعهد با محدودیت‌هایی همراه است که هدف آن حفاظت از حقوق ثالث و تضمین امنیت حقوقی در روابط قراردادی است.

حقوق مکتسبه اشخاص ثالث، مانند حق تقدم طلبکاران، حقوق وثیقه‌گذاران یا حقوق مرتبط با تعهدات تبعی، در فرآیند انتقال باید مورد توجه قرار گیرد. مطابق اصول فقهی «عدم ضرر» و دکترین حقوقی، انتقال تعهد نباید باعث کاهش یا تضییع موقعیت حقوقی این اشخاص شود. بنابراین، در قراردادهای انتقال تعهد، رعایت اطلاع‌رسانی، جلب رضایت اشخاص ثالث در موارد ضروری و حفظ شرایط تضمینی آنان، الزامی است و در صورت تخطی، انتقال تعهد می‌تواند تحت ایراد نقض حقوق ثالث قرار گیرد و مسئولیت حقوقی برای منتقل‌الیه و متعهد اولیه ایجاد شود.<sup>۲</sup>

تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که آثار انتقال تعهد نسبت به اشخاص ثالث، علاوه بر تأمین عدالت و تعادل حقوقی، نقش مهمی در پایداری نظام قراردادها ایفا می‌کند. شناسایی دقیق حقوق مکتسبه، ارزیابی تأثیر انتقال بر آنان و رعایت چارچوب قانونی و قراردادی، امکان پیش‌بینی اجرای تعهد و جلوگیری از بروز منازعات قضایی را فراهم می‌آورد. این سازوکار، به‌ویژه در روابط تجاری و قراردادهای پیچیده، امنیت حقوقی و

باشد. دکترین حقوقی بر این نکته تأکید دارد که متعهد جدید موظف به رعایت تعهدات اصلی و تبعی است و ضمان قهری، به‌ویژه در صورت قصور یا عدم ایفای تعهد، همچنان قابل اعمال است، با این تفاوت که مسئولیت به جای متعهد سابق، متوجه منتقل‌الیه می‌شود.<sup>۱</sup>

تأثیر انتقال تعهد بر مسئولیت قراردادی و ضمان قهری نشان‌دهنده انعطاف و پایداری نهاد انتقال در نظام حقوقی ایران است. این سازوکار امکان مدیریت ریسک‌های قراردادی و تضمین اجرای تعهدات را فراهم می‌آورد و ضمن حفظ حقوق متعهدله، تداوم تعهدات اصلی و تبعی را تضمین می‌کند. به‌ویژه در قراردادهای پیچیده، شناخت دقیق آثار حقوقی انتقال بر مسئولیت و ضمان قهری، از اهمیت عملی و قضایی بالایی برخوردار است و پایه‌ای برای استقرار امنیت حقوقی و کاهش منازعات محسوب می‌شود.

۳-۴- آثار انتقال تعهد نسبت به اشخاص ثالث و حقوق مکتسبه آنان

آثار انتقال تعهد نسبت به اشخاص ثالث و حقوق مکتسبه آنان، از جنبه‌های حیاتی تحلیل حقوقی این نهاد قراردادی است، زیرا انتقال تعهد تنها بر رابطه بین متعهد و متعهدله اثر نمی‌گذارد، بلکه ممکن است موقعیت حقوقی اشخاص ثالث را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در صورتی که انتقال تعهد بدون رعایت حقوق مکتسبه اشخاص ثالث صورت گیرد، می‌تواند

۲- علی گل تباریانی، محسن (۱۳۹۴)، انتقال تعهد از منظر حقوق ایران و کامن لا، چاپ اول، انتشارات جنگل جاودانه، ص ۶۱

۱- غلامی میهنوانی، الناز (۱۳۹۴)، بررسی انتقال تعهد قراردادی مقایسه آن با تبدیل تعهد در حقوق ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ص ۵۹

تبدیل تعهد یا حواله، در عمل می‌تواند موجب تشتت حقوقی و عدم قطعیت در اجرای قرارداد گردد.<sup>۱</sup>

در جمع‌بندی تحلیلی، شناسایی کارکرد عملی انتقال تعهد و درک چالش‌های حقوقی مرتبط، برای ارتقای اثربخشی این نهاد در نظام حقوقی ایران ضروری است. توجه به اصول حاکمیت اراده، حفاظت از حقوق متعهدله و اشخاص ثالث، و ایجاد الگوی قراردادی شفاف، می‌تواند انتقال تعهد را به ابزاری کارآمد برای مدیریت قراردادهای پیچیده و کاهش منازعات حقوقی تبدیل کند. در نتیجه، توسعه رویه قضایی و تحلیل دقیق‌ترین، نقش تعیین‌کننده‌ای در رفع ابهامات و تثبیت جایگاه انتقال تعهد در حقوق مدنی دارد.

۱-۴- نقش انتقال تعهد در پویایی و استمرار روابط قراردادی

نقش انتقال تعهد در پویایی و استمرار روابط قراردادی، به‌عنوان یکی از وجوه عملی و اساسی این نهاد، در تحلیل حقوقی قراردادهای اهمیت ویژه‌ای دارد. انتقال تعهد امکان جابه‌جایی مسئولیت‌های قراردادی را بدون انحلال رابطه اصلی فراهم می‌کند و بدین ترتیب، استمرار اجرای تعهدات تضمین می‌شود. این ویژگی، به ویژه در قراردادهای تجاری و قراردادهای بلندمدت، موجب افزایش انعطاف‌پذیری و کاهش ریسک عملیاتی طرفین می‌شود، زیرا امکان تغییر متعهد بدون اخلاف در اجرای قرارداد فراهم می‌گردد و رابطه دینی میان متعهدله و موضوع قرارداد حفظ می‌شود. از منظر حقوقی، تحقق پویایی روابط قراردادی از طریق انتقال تعهد، مستلزم

انسجام قراردادها را تضمین کرده و اهمیت رعایت حقوق ثالث را در انتقال تعهد برجسته می‌سازد.

#### ۴- تحلیل کارکردی و چالش‌های حقوقی انتقال تعهد

تحلیل کارکردی و چالش‌های حقوقی انتقال تعهد، اهمیت ویژه‌ای در فهم نقش عملی این نهاد در نظام قراردادهای مدرن دارد. انتقال تعهد، با هدف تسهیل جابه‌جایی مسئولیت‌ها، افزایش انعطاف‌پذیری قراردادها و مدیریت ریسک طرفین، کارکرد عملی مهمی ایفا می‌کند. این ابزار حقوقی به متعهد اولیه امکان خروج از تعهدات، به منتقل‌الیه امکان پذیرش مسئولیت‌های قراردادی و به متعهدله اطمینان از استمرار اجرای تعهدات را می‌دهد، به شرطی که رضایت طرفین و رعایت شرایط قانونی تحقق یافته باشد. از این منظر، انتقال تعهد نه صرفاً یک تغییر شخصی، بلکه نهادی با کارکرد عملی برای حفظ ثبات و انعطاف قراردادها محسوب می‌شود.

با وجود این کارکردها، چالش‌های حقوقی قابل توجهی نیز متوجه انتقال تعهد است. نبود نص صریح قانونی، ابهام در تشخیص تعهدات قابل انتقال، محدودیت‌های ناشی از ماهیت شخصی تعهد و تضاد احتمالی با حقوق اشخاص ثالث از مهم‌ترین موانع حقوقی آن هستند. دکترین حقوقی و رویه قضایی، بر لزوم تأمین رضایت متعهدله و شفافیت در توافقات انتقال تأکید دارند، زیرا هر گونه قصور می‌تواند منجر به مسئولیت قراردادی، نقض تعهدات تبعی و افزایش دعاوی قضایی شود. همچنین، تفاوت میان انتقال تعهد و

۱ - احمد سنهوری، عبدالرزاق (۱۳۹۶)، انتقال و سقوط تعهد، قم: انتشارات

الزهراء، ص ۹۵

تضمین‌ها و تعهدات تبعی می‌شود و در عمل، اختلاف نظر دکترین و رویه قضایی را افزایش داده است.

تعارض‌های تفسیری عمدتاً در تفکیک نهادهای نزدیک به انتقال تعهد مانند تبدیل تعهد و حواله نمود پیدا می‌کند. برخی حقوقدانان، انتقال تعهد را ذیل تبدیل تعهد موضوع مواد ۲۹۲ و ۲۹۳ قانون مدنی تحلیل می‌کنند، در حالی که دیدگاه غالب، انتقال تعهد را نهادی مستقل و مبتنی بر استمرار رابطه دینی می‌داند. این اختلاف تفسیری، به ویژه در تعیین مسئولیت متعهد سابق، آثار تعهدات تبعی و حقوق اشخاص ثالث، باعث ناهمگنی رویه قضایی و ایجاد تردید در تضمین حقوق متعهدله شده است.

همچنین، رفع این ابهامات و تعارض‌ها مستلزم توسعه دکترین، تفسیر نظام‌مند مواد قانونی و تدوین رویه قضایی منسجم است. پیشنهاد دکترین حقوقی بر آن است که با شفاف‌سازی مفهوم انتقال تعهد، تعیین حدود قابلیت انتقال، ارکان و آثار آن، و تطبیق این اصول با حقوق اشخاص ثالث، می‌توان امنیت حقوقی قراردادها را تضمین کرد. این فرآیند، علاوه بر کاهش اختلافات قضایی، موجب تثبیت جایگاه عملی انتقال تعهد در حقوق ایران و افزایش کارآمدی آن در مدیریت قراردادهای پیچیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

انتقال تعهد به‌عنوان یکی از نهادهای اساسی حقوق قراردادها، ابزاری کارآمد برای مدیریت مسئولیت‌های قراردادی و تضمین استمرار اجرای تعهدات محسوب می‌شود. این نهاد با امکان جانمایی متعهد، انعطاف‌پذیری قراردادها را افزایش داده و شرایط اجرای مطمئن تعهدات را بدون تغییر ماهیت یا موضوع

رعایت ارکان قانونی و قراردادی مانند رضایت متعهدله، اهلیت منتقل‌الیه و قابلیت انتقال موضوع تعهد است. دکترین حقوقی تأکید دارد که این نهاد، با فراهم آوردن جانمایی مشروع و کنترل شده، امکان مدیریت تغییرات اقتصادی و عملیاتی را برای طرفین قرارداد فراهم می‌کند و از توقف یا اختلال در اجرای تعهدات جلوگیری می‌نماید. بدین ترتیب، انتقال تعهد علاوه بر جنبه حفاظتی، نقش فعالانه‌ای در تطبیق روابط قراردادی با شرایط متغیر و نیازهای عملی دارد.

انتقال تعهد نه تنها ابزاری برای مدیریت ریسک و افزایش انعطاف قراردادها است، بلکه به پایداری و امنیت حقوقی روابط قراردادی کمک می‌کند. با تثبیت این نهاد در دکترین و رویه قضایی و رعایت چارچوب‌های قانونی و قراردادی، امکان بهره‌گیری از آن به‌عنوان مکانیزمی کارآمد برای استمرار تعهدات و پیشگیری از تضییع حقوق متعهدله فراهم می‌شود؛ امری که در قراردادهای پیچیده و محیط‌های تجاری پویا، اهمیت حیاتی دارد.

۲-۴- بررسی ابهامات تقنینی و تعارض‌های تفسیری در حقوق ایران

بررسی ابهامات تقنینی و تعارض‌های تفسیری در حقوق ایران، یکی از مهم‌ترین چالش‌های عملی انتقال تعهد است که ماهیت این نهاد را از مرحله نظری به سطح کاربردی می‌کشد. قانون مدنی ایران، اگرچه اصول کلی وفای به عقود (ماده ۲۱۹) و مشروعیت توافقات خصوصی (ماده ۱۰) را پیش‌بینی کرده، به‌صورت صریح انتقال تعهد را مورد تصریح قرار نداده است. این خلأ قانونی موجب ابهام در تعیین حدود اختیارات طرفین، تشخیص تعهدات قابل انتقال و جایگاه

با وجود مزایا و کارکردهای عملی انتقال تعهد، چالش‌های حقوقی قابل توجهی نیز وجود دارد. نبود نص صریح قانونی، ابهامات تفسیری و تعارض با نهادهای مشابه، از جمله مشکلات حقوقی این نهاد هستند. رفع این چالش‌ها مستلزم توسعه دکترین، شفاف‌سازی رویه قضایی و تفسیر منسجم مواد قانون مدنی است تا انتقال تعهد بتواند با امنیت حقوقی کامل و اثرگذاری عملی مطلوب اجرا شود.

در نتیجه، تحلیل کارکردی و حقوقی انتقال تعهد نشان می‌دهد که این نهاد، علاوه بر تأمین استمرار و پویایی روابط قراردادی، ابزاری مؤثر برای مدیریت تعهدات پیچیده و کاهش ریسک در محیط‌های تجاری و قراردادی است. تثبیت جایگاه انتقال تعهد در حقوق ایران و ایجاد رویه قضایی منسجم، می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای امنیت حقوقی، کاهش منازعات و افزایش کارآمدی قراردادها ایفا کند. این نهاد، با رعایت اصول حاکمیت اراده، حمایت از حقوق متعهدله و اشخاص ثالث، امکان اجرای موفقیت‌آمیز تعهدات را در محیط‌های عملی و قراردادی فراهم می‌سازد.

### سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.  
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.  
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.  
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

آن فراهم می‌آورد. تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که انتقال تعهد، در صورت رعایت ارکان و شرایط قانونی، نه تنها امنیت حقوقی متعهدله را تضمین می‌کند، بلکه امکان مدیریت ریسک عملیاتی را برای طرفین قرارداد ایجاد می‌نماید. تحقق انتقال تعهد مستلزم وجود اراده و رضایت طرفین، اهلیت قانونی و قابلیت انتقال موضوع تعهد است. رضایت متعهد، متعهدله و منتقل‌الیه شرط مشروعیت انتقال است و بدون آن، نهاد انتقال فاقد اثر حقوقی خواهد بود. این چارچوب، ضمن رعایت حقوق طرفین، از تضییع حقوق طلبکار جلوگیری می‌کند و زمینه اجرای بدون اختلال قرارداد را فراهم می‌آورد. تحلیل دکترین و رویه قضایی نیز بر اهمیت رعایت این شرایط تأکید دارند و آن را محور مشروعیت انتقال می‌دانند.

آثار حقوقی انتقال تعهد شامل جانشینی متعهد جدید در اجرای تعهدات اصلی، تأثیر بر تعهدات تبعی و تضمین‌ها و همچنین تغییر موقعیت متعهد سابق است. متعهد سابق از مسئولیت اجرای تعهد آزاد می‌شود و متعهد جدید تمام تعهدات مرتبط با قرارداد را بر عهده می‌گیرد. این اثرگذاری، ضمن حفظ استمرار قرارداد، امکان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی حقوقی برای طرفین را فراهم می‌سازد و از بروز اختلافات ناشی از مسئولیت‌های مشترک جلوگیری می‌کند. نهاد انتقال تعهد تأثیر قابل توجهی بر حقوق اشخاص ثالث دارد و باید حقوق مکتسبه آنان حفظ شود. رعایت حقوق اشخاص ثالث، مانند حق تقدم طلبکاران یا موقعیت تضمینی وثیقه‌گذاران، از الزامات انتقال مشروع است. هرگونه کوتاهی در این زمینه می‌تواند مسئولیت حقوقی ایجاد کرده و مشروعیت انتقال را زیر سؤال ببرد. این رویکرد، تعادل میان آزادی طرفین و حمایت از حقوق ثالث را برقرار می‌سازد و اهمیت طراحی قراردادهای دقیق و شفاف را برجسته می‌کند.

## منابع

کتاب ها

احمد سنهوری، عبدالرزاق (۱۳۹۶)، انتقال و سقوط تعهد، قم: انتشارات الزهرا

علی گل تباربائی، محسن (۱۳۹۴)، انتقال تعهد از منظر حقوق ایران و کامن لا، چاپ اول، انتشارات جنگل جاودانه

مقالات

بهرامی، حسین (۱۴۰۵)، ماهیت سقوط تعهد توسط ثالث و بررسی امکان مراجعه او به متعهد، نشریه پژوهش های حقوقی، دوره ۲۵، شماره ۶۵، صص ۱۸-۱

جهانپان، مجتبی؛ براری چناری، یوسف (۱۳۹۸)، تاملی بر ماهیت تبدیل تعهد و مقایسه آن با نهادهای مشابه در فقه و حقوق، فصلنامه تخصصی دانشنامه های حقوقی، شماره ۴، صص ۱۱۹-۱۰۱

حاجی عزیزی، بیژن؛ زنگنه، مجتبی؛ مومنی، عابدین (۱۳۹۰)، جایگاه تبدیل تعهد در فقه امامیه (بخش مدنی)، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱، سال ۴۴، صص ۵۴-۳۵

عابدی، مهدی؛ خزایی، احمدرضا؛ بهرامی نژاد، علی (۱۳۹۹)، بررسی شرایط انتقال تعهد در حقوق ایران و تاثیر آن بر حقوق شهروندی، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، شماره ۲، صص ۴۷-۳۷

فصیحی زاده، علیرضا؛ حسینی خاتون آبادی، سیدنصیر؛ فصیحی زاده، محمدامین (۱۴۰۰)، تحلیل دوگانگی انتقال طلب و تبدیل تعهد به اعتبار متعهدله در حقوق ایران، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۷، صص ۲۱۷-۱۹۹

پایان نامه ها

سروستانی، سعیده سادات (۱۳۹۲)، انتقال ارادی تعهد (طلب و دین) در حقوق ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران

غلامی میثوانی، الناز (۱۳۹۴)، بررسی انتقال تعهد قراردادیو مقایسه آن با تبدیل تعهد در حقوق ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

کامیاب منصوری، نیلوفر (۱۳۹۵)، اقاله تبدیل تعهد، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)